

ایالات متحده آمریکا جهان را در تامین مالی جنگ‌های خود سهیم می‌کند.

دیدگاه‌های پروفسور محسن مسرت درباره‌ی سیاست‌های نفتی و دلار آمریکا در مصاحبه با روزنامه آلمانی فرانکفورتر روند شاو

اصحابه از دانیل باومن، دبیر بخش اقتصاد روزنامه آلمانی فرانکفورتر روند شاو - 7 اکتبر 2014

- شما ادعا می‌کنید که دنیای بدون نظم و پرهرج و مرج در راستای منافع ایالات متحده است.
چرا این نظر را دارید؟

به خاطر این که برای ایالات متحده اهمیت بسزایی دارد که معاملات نفتی در آینده همچنان با دلار صورت بگیرند. این هدف با دنیایی که در هرج و مرج بهتر می‌برد، ساده‌تر تحقیق پیدا خواهد کرد. به این دلیل است که ایالات متحده در نزاع‌های خاورمیانه دست دارد.

- چرا به نفع ایالات متحده است که معاملات نفتی همچنان با دلار انجام بگیرند؟

در دنیا هرچه بیشتر نفت به مصرف بررسد و قیمت آن افزایش بیابد، به همان میزان دولت ایالات متحده می‌تواند دلار به بازار جهانی وارد کند، بدون آن که ارزش آن کاسته شود. از این راه ایالات متحده درآمدهایی را بدست می‌آورد که برای تامین مخارج دولت، می‌تواند آن‌ها را به کار اندازد. آمریکا از این‌که استاندارد نفتی جایگزین استاندارد طلا شد استفاده می‌برد. نفت همانند طلا ماده همگون و کمیابی است که همواره تقاضا برای آن بیشتر و قیمت آن افزایش می‌باید. از 1970 تاکنون سهم معاملات نفتی در کل تجارت جهانی از 1.7 درصد به 12 درصد افزایش پیدا کرده است، افزایشی که تقاضا برای دلار را بهشت به همراه داشته است.

- این کار به لحاظ تکنیکی چگونه انجام می‌گیرد؟

دولت ایالات متحده برای تامین مخارج جاری کشور، توسط وزارت دارائی اوراق بهادر صادر می‌کند و آن‌ها را در ازای دلارهای تازه چاپ شده در اختیار بانک مرکزی (اف. ای. دی) قرار می‌دهد. بانک مرکزی (اف. ای. دی) نیز این اوراق بهادر را در بازار جهانی به فروش می‌رساند و از این راه پیوسته سرمایه جدیدی به اقتصاد ایالات متحده تزریق می‌نماید. در سال 2012 حجم سرمایه جاری شده به ایالات متحده از این طریق بالغ بر 7.9 درصد تولید سرانه داخلی بوده است.

- چقدر ساده!

بله همین‌طور است. ببینید با وجود این‌که آمریکا از 17 سال پیش تاکنون پیوسته و به صورت مزمن کسری بیلان در تجارت خارجی خود داشته است، سرمایه‌ای مازاد از تمام نقاط جهان به

ایالات متحده سرازیر شده که حجم آن در سال‌های اخیر سالانه حدود هزار میلیارد دلار بالغ می‌شود. به این ترتیب تمام کشورهای جهان در تامین اعتبار قسمت اعظم مخارج دولت ایالات متحده آمریکا، از جمله در مخارج مربوط به سیاست‌های سلطه‌گرانه و جنگ‌هایی که توسط این کشور راهاندازی شده‌اند، سهمی بوده‌اند.

• **این امر چه پی‌آمد هائی دربردارد؟**

کشوری که پول جهانی را در تصرف خود دارد در حقیقت از یک فرصت ممتاز انحصاری برخوردار است. در دوران استاندارد طلا ایالات متحده موظف بود، ذخیره‌های ارزی و دلارهای کشورهای دیگر را در هر زمان با طلا تعویض نماید. به این وسیله سوءاستفاده از این فرصت انحصاری در سیستم محدود می‌شد. این امکان اکنون دیگر وجود ندارد. در سیستم استاندارد نفتی ایالات متحده آمریکا هیچ‌گونه مسئولیت قانونی در قبال صاحبان دلار در جهان ندارد. این موقعیت انحصاری طبیعتاً ساختارهای شبیدیکتاتوری و ایجاد ظرفیت‌های نظامی را می‌طلبد، امری که متأسفانه تا کنون مورد توجه قرار نگرفته است.

• **می‌توانید این موضوع را قدری تشریح کنید؟**

در این سیستم آمریکا برای تداوم موقعیت انحصاری خود تلاش می‌کند کلیه معاملات نفتی به دلار صورت بگیرند. این کار یا به طور داوطلبانه توسط دولت‌های کشورهای نفت‌خیز انجام می‌گیرد و یا به صورت اجباری. تغییر رژیم‌های عراق، افغانستان و لیبی و نزاع اتمی با ایران و نیز ایجاد پایگاه‌های پرهزینه نظامی در سراسر جهان جزو حلقه‌های زنجیره‌ای استراتژی آمریکا برای دفاع از دلار به عنوان پول جهانی است. کشورهای نفت‌خیز و بی‌ثباتی مانند عراق یا لیبی به سختی قادرند از فروش نفت خود با دلار سرباز بزنند. می‌توان به جرئت ادعا نمود، که میان هزینه‌ی تسليحات نظامی و جنگ‌های ایالات متحده، بدھی‌های دولتی و تامین اعتبار برای بازپرداخت بدھی‌ها از راه استاندارد نفتی دلار یک رابطه مستقیم وجود دارد.

• **آیا ما در این صورت به بستر تئوری توطئه وارد نمی‌شویم؟**

چرا تئوری توطئه؟ این‌گونه تئوری‌ها از حدسیات و ذهنیت‌های بی‌پایه تغذیه می‌شوند. تزهای من اما بر مبنای فاكت‌های غیر قابل تردید و تحلیل‌های منطقی و مستند طرح شده‌اند.

• **چه کسی از این سیستم بیشترین بهره را می‌برد؟**

کلیه مرجعین جهان، نه تنها ایالات متحده، بلکه تمام نیروهایی که از فرصت‌های انحصاری برخوردارند، در ساختارهای کهنه تقسیم قدرت نفوذ دارند، در استفاده از تکنولوژی‌های کهنه اصرار می‌ورزند و برای حفظ موقعیت خود از جنگ به عنوان ابزار سیاست استفاده می‌کنند. بهنظر من بیشتر از همه مجموعه صنایع نظامی و سهامداران این بخش که از سودآوری بدون ریسک این بخش بهره‌مند می‌گردند.

• بهنظر شما چه کاری باید صورت بگیرد؟

موقعیت انحصاری ایالات متحده در استفاده از پول جهانی بایستی با ایجاد تنوع در سیستم پولی جهان از حالت انحصاری خارج شده و از این راه اقتصاد جهانی دمکراتیزه شود. علاوه بر این من تحول در سیستم مصرف انرژی در جهان و بهره‌گیری گسترده و سراسری از انرژی‌های تجدیدپذیر را از ضروریات مسلم ارزیابی می‌کنم. پیش‌بینی من این است که با این روش جهانی دمکراتیکتر، عادلانه‌تر و صلح‌آمیزتر خواهیم داشت. تاسیس صندوق پول جهانی و بانک توسعه جدید از سوی ائتلاف بربیکس (BRICS) متشكل از کشورهای برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی که در این روند تاکنون روسیه و چین نقش مهمی داشته‌اند، می‌تواند گامی در این مسیر باشد. همین‌طور جامعه اروپا می‌بایستی به تدریج یورو را به عنوان پول جهانی وارد بازی کند. علاوه بر آن آمریکا نیز باید بالاخره درک کند، که سیاست فعلی ایجاد نفاق در اروپا و وابسته نمودن یورو به دلار و نیز کوشش در ایجاد محاصره‌های اقتصادی و نظامی در قبال روسیه و چین، منجر به فاجعه‌ی جدیدی خواهد شد.

محسن مسربت استاد بازنیسته رشته علوم سیاسی و اقتصاد دانشگاه اوون‌بروک است. موضوع‌های عمدی پژوهش‌های او اقتصاد جهانی، اقتصاد نفت و انرژی، خاور میانه و نزدیک، و پژوهش‌های جنگ و صلح بوده است.